

- صورتی رنگ ایران است
- نوشته وانا وانوچینی
- انتشارات فلترینلی
- Rosa è il colore della persia
- vanna vannuccini
- serie Bianca Feltrinelli
- Milano, Marzo 2006 , 165 12 £
- میلان - ۲۰۰۶ - ۱۶۵ - ص ۱۲ یورو

کتاب صورتی رنگ ایران است با سوتیتر «رویای از دست رفته‌ی یک دموکراسی اسلامی» به قلم وانا وانوچینی خبرنگار ۷۲ ساله‌ی ایتالیایی که در پرتیترترین روزنامه‌ی ایتالیا «رپوبلیکا» قلم می‌زند، در مارس ۲۰۰۶ توسط انتشارات فلترینلی به چاپ رسید. این کتاب حاصل چندین سفر نویسنده به ایران است که از سال ۱۹۹۸ - هم زمان با انتخابات ریاست جمهوری که به پیروزی محمد خاتمی انجامید - آغاز شد و هنوز ادامه دارد. وانوچینی که سال‌های متممادی در مقام خبرنگار اعزامی به کشور آلمان نیز سفر کرده، کتاب‌های دیگری نیز نوشته است از جمله: چهل سال پیش رو (۱۹۸۲)، زنان و وحشت (۱۹۷۹) و سفری کوتاه در دل آلمان (۲۰۰۴)، به همراه فرانچسکا پرداتزی)

پشت جلد صورتی رنگ... می‌خوانیم: «در اروپای مدرن، ایران معروف، به پرسیا بود. غرب شیفته‌ی شرق غریبی بود که ادبیات فارسی نشانش می‌داد: از دیوان غرب و شرق گوتته گرفته تا داستان‌هایی از ادبیات عامیانه که رویدادگاه شان در کاروانسراها و بازار است و سالن‌های اروپایی که زمین‌شان به فرش‌هایی ایرانی آراسته بود. برای رهایی از آن تصویر سستی در سال‌های دهه‌ی سی میلادی از محافل بین‌المللی خواسته شد که نام ایران را - که همواره مورد استفاده ایرانی‌ها بوده - به کار ببرند. امروزه ایران غرب‌زده‌ترین کشور خاورمیانه است، نه تنها از آن رو که بین تمدن‌های ایران و اروپا تبادلاتی چند هزار ساله بوده و طی دو سده‌ی اخیر رویدادهای سیاسی

در ایران مستقیماً از تاریخ غرب تأثیر پذیرفته‌اند، بلکه به دلیل انبوه مهاجرت‌هایی که پس از انقلاب اسلامی به اروپا و آمریکا صورت گرفته و شگفت آن که دروازه‌های ایران را به سر تا سر دنیا گشوده‌تر از پیش کرده است.»

وانوچینی در توضیح عنوان کتاب می‌گوید: «اولین باری که در سال ۹۸ به ایران آمدم، بیشتر زن‌ها سیاه می‌پوشیدند اما حالا همه چیز عوض شده، دخترها اسکیت بازی می‌کنند و پوشش‌شان هم تغییر کرده است. یادم می‌آید در همان سفر به منزل پری صابری، کارگردان تئاتر دعوت شدم که یک فرش قدیمی زیبا با زمینه‌ی صورتی پررنگ داشت. صابری گفت: می‌توانید تصور کنید که ایرانی‌ها فرش‌های سیاه بیافند؟ رنگ‌های ایران همین‌ها هستند. اصلاً رنگ همواره در مرکز تخیل ما بوده و باغ‌ها و فرش‌ها از هزاران سال پیش بر هنر، ادبیات و زندگی ایرانی‌ها اثر گذاشته‌اند. بنابراین صورتی رنگ... شد عنوان یکی از فصل‌های کتاب که ناشر تصمیم گرفت عنوان کتاب هم باشد. اما صورتی در ایتالیا رنگ زن‌هاست و شاید این سوء تفاهم پیش بیاید که کتاب به زنان در ایران می‌پردازد، چون بیشتر از مردان در اصلاحات ایران نقش داشته‌اند اما من این تغییرات را در همهی مردم می‌بینم و به هر حال روند اصلاحات تدریجی است و نه غرب و نه مردم ایران نمی‌توانند توقع داشته باشند که همه چیز یک باره تغییر کند. برای من که سالی حتی تا چهار بار هم به ایران سفر کرده‌ام، دگرگونی‌های جامعه بسیار محسوس است.» وانوچینی در فصل اول کتاب که عنوان آن را نیز بر خود دارد از قول علیرضا رئیس‌یان کارگردان سینما - که با نماهای باز و درندشت خود از بیابان‌های بی‌آغاز و پایان ایران در غرب به شهرت رسیده - می‌نویسد: «فرش هم یک باغ است. وقتی ما فرشی را در میان بیابان پهن می‌کنیم، مثل آن است که در باغی پر گل و پر از طاووس و چشمه نشسته‌ایم. عطر گل‌ها به مشامان و شرشر آب به گوش‌مان می‌رسد. همه‌ی وجودمان در باغ حل می‌شود و شاعر می‌شویم. دقیقاً همین توان بیان حال در قالب شعر است که به ایرانی‌ها کمک کرده طی سه هزاره و به رغم جنگ‌ها و تصرفات و انقلاب‌ها خودشان باقی بمانند.»<sup>۱</sup>

کتاب به ۱۲ فصل تقسیم شده که برخی از عناوین آن عبارتند از: «آغاز یک رویا...»، «ایران ما هستیم» درباره‌ی وضعیت جوانان در ایران امروز، «خروج از سایه، ورود به دنیا» که به مرور سرگذشت شماری از زنان موفق ایران از جمله بتول کیانی شهردار فیروزکوه، لاله صدیق برنده‌ی مسابقات اتومبیل‌رانی و شیرین عبادی برنده‌ی نوبل صلح می‌پردازد، «چنین گفت زرتشت: فرهنگ اسلامی و فرهنگ پیش از اسلام» که گزارش سفر نویسنده به شهر یزد و دیدار از آتشکده‌ها و زرتشتیان آن است، «شاعران و پیامبران» که حاصل دیدار نویسنده از نمایشگاه هنرهای مفهومی موزه‌ی هنرهای معاصر و حضور در یک کنفرانس فلسفه‌ی غرب در تهران



● وانا وانو چینی نویسنده صورتی رنگ ایران است (عکس از شهاب دهباشی)

۵۱۹

است، «خلیج فارس» به بررسی موقعیت استراتژیک ایران به لحاظ برخورداری از مقام دوم تولید نفت پس از عربستان سعودی در جهان می‌پردازد و سفرنامه گونه‌یی به مناطق نفت خیز جنوب ایران است، «انقلاب دوم» که ایران سال اخیر را مرور می‌کند، و فصل آخر «شکل‌گیری یک قدرت منطقه‌ای» درباره‌ی مناقشات اخیر جهانی بر سر پرونده‌ی هسته‌ای ایران که با نقل سخنی از شارل دوگل آغاز می‌شود: «همه چیز به انرژی هسته‌ای بستگی دارد. سلاح‌های هسته‌ای تعیین کننده‌ی سطح هستند، خطری برای تمامی طبقات اجتماعی به شمار می‌روند و نمی‌توانند با سلاح‌های معمولی خنثی شوند.»<sup>۲</sup>

یک ابتکار نویسنده این است که در پایان برخی از فصل‌ها نقلی از کتاب‌های کهن غربی درباره‌ی ایران آورده که با حروف ریزتر و قرار گرفتن در کادر، از بقیه‌ی فصل جدا می‌شود گرچه به لحاظ موضوعی با فصل مربوطه پیوند دارد. برای این کادرها مطالبی از کتاب‌های ادیبان و فلسفه‌ها در آسیای میانه اثر ژوزف آرتور گوینو نویسنده‌ی فرانسوی، بخشی از خاطرات مارکو پولو که به توصیف اهالی شهر توریس (تبریز امروزی) می‌پردازد، سفر در ایران و توصیف سلطنت‌های آن اثر ژان یاپتیست تاورنیه (پاریس، ۱۹۳۰) درباره‌ی مراسم عاشورا و تعزیه در آن سال‌ها، ورق‌های ایرانی اثر کلود آنه (پاریس، ۱۹۲۴) درباره‌ی روحیات ایرانیان، و ایران آن گونه که هست و بود اثر هرمان نوردن (لایپزیگ، ۱۹۲۹) در ستایش شتر و جایگاه این حیوان نزد

ایرانیان، انتخاب شده است. این انتخاب زمانی معنادار می شود که به نظر می رسد در زمان حاضر یعنی در آغاز سده‌ی بیست و یکم، ایران کمتر از هشتاد سال پیش در نظر جهانیان ناشناخته و مرموز نیست! در عصر ارتباطات و اینترنت و ماهواره و... که دنیا را می خواهد «دهکده» جلوه دهد، شگفت آور نیست که اروپایی‌ها با دیدن برج‌ها و اتومبیل‌های آخرین مدل و کامپیوتر و دیگر پدیده‌های تکنولوژیک و پویایی جامعه‌ی ایران به حیرت می افتند؟! از این رو کتاب‌هایی مثل صورتی رنگ... و همه‌ی آن کتاب‌های دیگری که در سال‌های اخیر در اروپا و آمریکا درباره‌ی ایران منتشر شده تا عطش خواننده‌ی غربی را برای شناختن جامعه‌ی بی که تلویزیون و تبلیغات می خواهند آن را عقب مانده، وحشی، بی تمدن و خطرناک جلوه دهند سیراب کند، همان کارکرد را در روزگار ما دارند که یک سده‌ی پیش سفرنامه‌های ایران شناسان یا مردم شناسان اروپایی داشتند.

وانوچینی که پیش از این به عنوان خبرنگار اعزامی از طرف رپوبلیکا به کشورهای بالکان، بوسنی و آلمان (در زمان فروپاشی دیوار) نیز سفر کرده، در توصیف روحیات ایرانی‌ها می گوید: «ایرانی‌ها خیلی زود به هیجان می آیند و خیلی زود هم توی خودشان فرو می روند. به همین دلیل تاریخ ایران انباشته از شگفتی‌هاست. مثلاً تحریم انتخابات ریاست جمهوری در سال گذشته، غیرعقلانی ترین کاری بود که - متأسفانه حتی از سوی بسیاری از روشنفکران - انجام شد. در حالی که مثلاً آلمانی‌ها در بحرانی ترین لحظات تاریخی همیشه به عقلانی ترین و منطقی ترین شکل ممکن عمل می کنند از جمله در همان انتخابات سال گذشته‌ی صدراعظم‌شان که گویی طی توافقی جمعی به ائتلاف تن دادند و ناآگاهانه تصمیمی بسیار عاقلانه گرفتند.» وی در این زمینه از قول کلود آنه می نویسد: «ایرانی سر تا پا لطف و تکریم و مراعات است و البته دست نیافتنی [...]» «کتمان» هنر پنهان ساختن اندیشه‌اش است اما نه با نیت فریب دادن مخاطب و در پی آن کسب منفعتی مادی، بلکه به احترام خلوص عقایدی که بیان‌شان در ملاء عام هیچ منفعتی ندارد. اگر گنجی کشف کرده‌اید، قایمش کنید. بگذارید تنها جمع کوچکی از نخبگان آن هم در نهایت احتیاط از آن بهره ببرند. [...] بنابراین شناخت اندیشه‌های حقیقی ایرانیان کار آسانی نیست. آنان به مدد به کارگیری چند صد ساله‌ی «کتمان»، در فن پنهان سازی عقاید به چنان مهارتی دست یافته‌اند که فرسنگ‌ها با ما فاصله دارند. در مقابل آنها، ما چه ناشی جلوه می کنیم! روح ایرانی برای یک اروپایی ماهر، هم چون معمایی ست که باید حل شود. قلبی ست دشوار برای باز کردن که رمز آن مدام تغییر می کند.»<sup>۳</sup>

جذابیت کتاب وانوچینی در این است که تصویری کمابیش جامع از ایران ارائه می دهد یعنی به رغم این که سیاست و دگرگونی‌های دهه‌ی اخیر را به بررسی می گذارد - می دانیم وانوچینی

# Rosa è il colore della Persia

Storia di una democrazia islamica



۵۲۱

خبرنگاری سیاسی ست - اما می‌داند که برای معرفی هر چه بهتر این کشور باید به جامعه، هنر، تاریخ، فرهنگ و ادبیات آن نیز پردازد. مثلاً در جایی که به معرفی حافظ و مقام و اهمیت او در میان نسل‌های امروز ایران می‌پردازد، اشاره‌ی هم به اهمیت هنر خطاطی در فرهنگ ایرانی می‌کند و می‌نویسد: «ابیات شاعر و کلام پیغمبر [ص] در طول سده‌های متمادی با احترامی در خور در هنر خطاطی نمود یافته که در سر تا سر دنیای اسلام، والاترین بیان هنری به شمار می‌رود و از آن جا که نمایانگر وحی الهی است، خالص‌ترین شکل هنری است. این موضوع خصوصاً در ایران مصداق پیدا می‌کند چرا که خطاطی بیشتر از هر هنر دیگری با احساس زیبایی شناختی ایرانی هم خوانی دارد. هنری که به مدد خلوص خود، برداشت ایرانی را از زیبایی معنوی به صریح‌ترین شکل ممکن منتقل می‌کند. اگر از نظر مسیحی‌ها، خدا تجسمی عینی یافته که هنر کوشیده تصویرش کند، در اسلام خدا در قالب نشانه، گرافیک، جلوه‌گر شده است. در افسانه‌ها آمده که میرعلی، خطاط نامی قرن پانزده میلادی، در خواب به هنگام جست و جوی نشانه‌های جدید، توسط شخص [حضرت] علی [ع] داماد پیامبر هدایت شده است. میرعلی که «جو تو»ی ایرانی به حساب می‌آید، آخرین و شاعرانه‌ترین سبک خطاطی موسوم به نستعلیق را ابداع کرد.»<sup>۴</sup>

ملاحظات توریستی نویسنده از شهرهایی که دیدن کرده، در ترکیب با تفاسیر سیاسی، غنی تر شده و سفر او را به سفری نه تنها در سطح (جغرافیا) بلکه در عمق (تاریخ) نیز تبدیل می‌کند. وی در گزارش سفرش به تبریز می‌نویسد: «در شهرهای قدیم ایرانی، بازار دروازه‌ی اصلی شهر را به مراکز حکومتی یعنی کاخ دولت و مسجد متصل می‌کند. از دیگر ساختمان‌هایی که به بازار وصلند می‌توان به ساختمان‌هایی اشاره کرد که کارکردهای عمومی اصلی را دارند از جمله: حمام‌های عمومی، کاروانسراها، مدرسه‌های قرآنی و آب انبارها. بازار تبریز ورودی کوچکی دارد، گویی وارد حیاط خلوتی می‌شوی. آدم هرگز تصور نمی‌کند که یک شهر پنهان تمام عیار آن جا باشد چرا که از بیرون سوءظن برانگیز نیست. افشار نادری [در مجله‌ی «معمار» اکتبر ۲۰۰۵] می‌نویسد که ورود به بازار کمی مثل ورود به یک افسانه است. شهر پنهان - هم چون تمامی سرزمین‌های عجایب - دقیقاً در نقطه‌ی مقابل شهر آشکار است. خیابان‌ها سر پوشیده هستند در حالی که آفتاب و هوا از ساختمان‌های کناری که بر نماها و دیوارهای خود نورگیر و شکاف‌های هندسی دارند، نفوذ می‌کنند. نادری می‌نویسد که ساختار بازار یادآور ساختار فرش است. بیرون، در آن شهر آشکار، فضا به واسطه‌ی ساختمان‌های بزرگ و لولاهایی که متصل‌شان می‌کنند، تقسیم بندی می‌شود. حال آن که ساختار بازار از فضاها بی‌شمار ریز - یک طاق، دو ستون، سه پله، ... - تشکیل شده است: ریز هم چون گره‌های یک فرش،<sup>۵</sup> در واقع یکی از نقاط قوت کتاب غنایی است که نویسنده با انجام گفت و گوهای متعدد با اهالی سیاست و ادبیات و هنر، روشنفکران و اندیشمندان ایرانی، به برداشت‌های خود داده است. آیا می‌توان نتیجه گرفت که ساختار کتاب وانوچینی نیز به فرشی می‌ماند که از تار و پودی از مشاهدات و تصورات غریبان‌دیروز و امروز از یک سو و دیدگاه‌های ایرانیان امروزی از سوی دیگر بافته شده است. یک برخورد فوق‌العاده فروتنانه در رویارویی با کشور پیچیده و کهنی مثل ایران که نه هشت سال بلکه هشتاد سال هم می‌توانسته برای شناخت آن کم باشد. وانوچینی به مصاحبه‌شونده‌های خود اجازه می‌دهد که به راحتی سخن گویند و تنها در صورت تمایل خودشان از آنها نام می‌برد: برخوردی منصفانه در زمانی که هر خبرنگار تازه به دوران رسیده و جویای نامی نه تنها نام بسیاری از چهره‌های خصوصاً سیاسی را دستاویزی برای افشاگری و جنجال‌زایی قرار می‌دهد بلکه چه بسا از ناگفته‌ها و ناشنیده‌ها و نادیده‌ها هم می‌نویسد! وانوچینی در آستانه‌ی ۷۳ سالگی نه تنها نیازی به این هیاهوها نمی‌بیند بلکه - و بیش از آن - به نظر نمی‌رسد حتی در آغاز راه نیز وجدان کاری خود را برای کسب شهرت و موفقیت زیر پا گذاشته باشد. این را می‌توان از متانت قلم و صداقت و صراحت کلام او دریافت که اینها سن و سابقه نمی‌شناسند.

پانویس‌ها

۱. وانا وانو چینی، *Rosa è il colore della Persia*، چاپ انتشارات فلتزینلی، ایتالیا، مارس ۲۰۰۶، ص ۱۵.
۲. همان، ص ۱۵۳.
۳. همان، صص ۱۲۵ و ۱۲۴.
۴. همان، صص ۱۱۹.
۵. همان، صص ۱۰۴ و ۱۰۳.

\*\*\*

مشخصات کتاب:

عنوان	<i>Rosa è il colore della Persia</i>	صورتی رنگ ایران است
نام نویسنده	Vanna Vannuccini	وانا وانو چینی
انتشارات	Serie Bianca Feltrinelli	سریه بیانکا فلتزینلی
محل چاپ	Milano	میلان
تاریخ چاپ	Marzo 2006	مارس ۲۰۰۶
تعداد صفحات	165	۱۶۵
قیمت	12 £	۱۲ یورو

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی